

مقایسه نظام آموزشی و مراکز علمی آل بویه و سلجوقیان

ابوالفضل عابدینی*

استادیار تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران، تهران

مهدی قهرمانی**

مری گروه معارف اسلامی، دانشگاه لرستان، خرم آباد

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۲۶، تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۰۲/۱۲)

چکیده

مراکز علمی به جهت آن که زمینه رشد علم و تربیت دانشمندان را فراهم می‌آورند، همواره از جایگاه والایی برخوردار بوده‌اند و یکی از دستاوردهای مهم فرهنگ و تمدن محسوب می‌شوند. موضوع این پژوهش، مقایسه نظام‌های آموزشی و مراکز علمی آل بویه و سلجوقیان از منظر میزان اثربخشی و تساهل و تعصب مذهبی آنان است. در این تحقیق، ضمن بررسی مؤلفه‌های اساسی نظام آموزشی در این دو ساختار حکومتی، به واکاوی میزان اثرگذاری تساهل یا تعصب مذهبی این دو خاندان به شکل‌گیری و توسعه مراکز علمی و محصول نظام آموزشی در این دوره، پرداخته می‌شود. حاکمان آل بویه با سایر ادیان و مذاهب با تساهل برخورد می‌کردند، اما حاکمان سلجوقی رفتاری متعصبانه داشته و به تقویت مذهب شافعی و حنفی می‌پرداختند. این تنوع سیاست مذهبی بر مراکز علمی از قبیل مساجد، خانقاه‌ها، رصدخانه‌ها، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، دارالعلم‌ها و مدارس، همچنین بر نظام آموزشی این مراکز از قبیل متون آموزشی، گزینش استادان و شاگردان اثرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: نظام آموزشی، مراکز علمی، آل بویه، سلجوقیان، تساهل و تعصب مذهبی.

*. E.mail: aabedini@ut.ac.ir

** E.mail: ghodrat110@gmail.com

مقدمه

مراکز علمی در تاریخ و تمدن اسلامی از جایگاه والائی برخوردار بوده و در شکوفایی آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند. کتابخانه‌ها، دارالعلم‌ها، رصدخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و... از مراکز علمی محسوب می‌شوند که در آن دانشمندان به آموزش، تحقیق و ترجمه علوم می‌پرداختند.

آل بویه و سلجوقیان دو حکومت مهم و تأثیرگذار در تمدن اسلامی به شمار می‌آیند که در عرصه علم و نظام آموزشی و مراکز علمی تفاوت‌های جدی با یکدیگر داشته‌اند. این تفاوت ناشی از عوامل مختلفی از جمله اقتدار سیاسی، شرایط اقتصادی، شرایط محیطی و همچنین نوع نگرش حاکمان می‌باشد.

حاکمان به علم‌اندوزی و مراکز علمی نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. برخی از آنان دوستدار علم بودند و از علما و دانشمندان حمایت می‌کردند و زمینه فراگیری انواع علوم را برای افراد با مذاهب و ادیان مختلف فراهم می‌آوردند و برخی دیگر تعصب شدید مذهبی داشتند و علوم را ابزار و وسیله‌ای برای تقویت مذهب خاصی می‌دانستند و اجازه تحصیل و تدریس در این مراکز را به مذاهب دیگر نمی‌دادند.

از این رو، عامل تساهل یا تعصب مذهبی نقش بسیار برجسته‌ای در توسعه مراکز علمی و نظام آموزشی دارد. این پژوهش، ضمن مقایسه مراکز علمی و نظام آموزشی آل بویه و سلجوقیان، به دنبال شناسایی میزان تأثیرگذاری سیاست‌های مذهبی این دو حکومت بر رشد و شکوفایی و پیشرفت مراکز علمی و نظام‌های آموزشی است.

ضرورت نگاه تمدنی و بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی قابل انکار نیست. از آنجا که نگرش حاکمان آل بویه و سلجوقی به مراکز علمی و تعامل آنان با این مراکز، بسیار متفاوت با یکدیگر بود و با توجه به سیاست تساهل مذهبی آل بویه و تعصب مذهبی سلجوقیان و تأثیر هر کدام از این سیاست‌ها بر مراکز علمی و نظام آموزشی و در نتیجه تأثیر بر تمدن اسلامی، ضرورت دارد که در ابتدا این مراکز را شناسایی و سپس سیاست‌های آنان را مورد تحلیل

قرار دهیم تا تأثیر هر کدام از این دو حکومت بر پیشرفت یا عقب‌ماندگی تمدن اسلامی روشن گردد.

بدیهی است که چنین پژوهشی می‌تواند در ارزیابی نتایج عملکرد حکومت‌های مختلف اسلامی حتی در دوره معاصر نیز مؤثر باشد و نشان دهد که اتخاذ سیاست‌های دینی متفاوت می‌تواند چه تأثیری بر مناسبات علمی، فرهنگی و تمدنی جوامع اسلامی داشته باشد و به شکوفایی آنها کمک کند.

تحدید واژگان

مرکز علمی، نهاد یا مؤسسه (Institution): عبارت از مجموعه ثابتی از ارزش‌ها، هنجارها، پایگاه‌ها، نقش‌ها و گروه‌هایی است که حول یک نیاز اجتماعی و اساسی به وجود می‌آید. بدین ترتیب نهاد آموزش و پرورش، دانستنی‌های فرهنگی را به نوجوانان منتقل می‌سازد. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۹۵)

بر اساس این تعریف، نهاد دربرگیرنده مفهوم انتقال فرهنگی از شخصی یا گروهی به شخص یا گروهی دیگر است که می‌تواند واجد مفهومی عام‌تر از مکان آموزشی باشد. البته تبعاً مکان‌های آموزشی ذیل مراکز علمی قرار دارند که در آنها افرادی به عنوان معلم و متخصص آموزشی، تربیت شده و محل‌ها و تجهیزات برای آموزش و فراگیری دانش، پیش‌بینی گردیده است.

بنابراین، در این پژوهش منظور از مراکز علمی، نهاد یا مؤسساتی هستند که افراد در آنجا به آموزش، تحقیق و ترجمه علوم می‌پردازند و دربرگیرنده مساجد، خانقاه‌ها، رصدخانه‌ها، بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها، دارالعلوم‌ها، خانه وزیران و امیران و مدارس می‌باشد.

نظام آموزشی (Educational system): فراهانی در تعریف نظام آموزشی می‌گوید: «یک مجموعه پیچیده‌ای است که در آن اجزاء متشکله و زیرنظام‌ها به گونه‌ای سازمان یافته‌اند تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد.» (فرهمینی فراهانی، ۱۳۷۸: ۲۹۱).

تساهل و تسامح (Tolerance): تسامح واژه عربی و مصدر باب تفاعل و به معنای «با یکدیگر آسان گرفتن»، «همدیگر آسانی کردن»، «آسان گرفتن»، «سهل‌انگاری»

و «اغماض و چشم‌پوشی» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ۶۷۱۴). در اصطلاح علوم سیاسی، تساهل به معنای روا داشتن وجود آراء و عقاید مختلف سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و هنری در درون یک نظام سیاسی و اجتماعی می‌باشد (آقابخشی ۱۳۶۳: ۶۸۵). بنا بر معنای لغوی و اصطلاحی، تساهل و تسامح مذهبی را می‌توان پذیرفتن آراء و عقاید مختلف مذهبی پیروان آنها در درون یک نظام سیاسی تعریف کرد که در این مقاله، همین تعریف اخیر مورد توجه قرار گرفته و رویکرد دو نظام آل بویه و سلجوقی از این منظر با یکدیگر مقایسه شده است.

تعصب (Intolerance): تعصب مصدر باب تفعل و به معنای حمیت، عصبیت و جانبداری و همچنین طرفداری شدید و حمایت بی‌چون و چرا می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ۶۸۱۰). در اصطلاح نیز، تعصب به معنای جانبداری خالصانه و کوتاه‌نظرانه و مصرانه از چیزی یا کسی می‌باشد (آقابخشی، ۱۳۶۳: ۲۳۸). از تعریف لغوی و اصطلاحی تعصب می‌توان نتیجه گرفت که تعصب مذهبی به معنای پیروی کردن و حمایت بی‌قید و شرط از مذهب و مسلکی خاص و رها کردن مذاهب دیگر و پیروان آنها می‌باشد.

اوضاع مذهبی آل بویه

در زمان آل بویه اکثر مردم ایران و عراق، مسلمان و پیرو یکی از مذاهب مختلف بودند و اقلیت‌هایی از ادیان دیگر هم در این شهرها وجود داشتند. در ادامه مهمترین شهرهای ایران همراه با توضیحاتی ذکر خواهد شد.

اصفهان: از شهرهای بزرگ و پرجمعیت بود که مردم آنجا بیشتر مذهب حنبلی داشتند. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۷۹)

ری: از شهرهای مشهور سرزمین جبال است. این شهر از اصفهان بزرگتر بود و در زمان کیخسرو بن سیاوش ساخته شد و در حدود نصفی از جمعیت آن به شیعیان اختصاص داشت. حنفی‌ها و شافعی‌ها نیز پیروانی در آنجا داشتند که با یکدیگر نزاع و درگیری داشتند و تعداد شافعی‌ها بیش از حنفی‌ها بود. (حموی، ۱۳۸۱: ج ۳، ۱۱۷-)

همدان: یکی دیگر از شهرهای بزرگ و مشهور سرزمین جبال است که مردم آن اهل حدیث بودند و گروهی نیز مذهب سفیان ثوری داشتند. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۹۱)

اهواز: در اهواز، مذاهب مختلفی وجود داشت، مقدسی در مورد مردم اهواز می‌نویسد: «در اهواز مذاهب گوناگون وجود دارد: همه عسکر، بیشتر اهواز، رامهرمز و دورق، معتزلی هستند، مردم شورش و توابعش حنبلی و نیمی از مردم اهواز شیعه‌اند و حنفی بسیاری در آنجا وجود دارد و در اهواز مالکی نیز هست. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۲۰)

فارس: مقدسی در مورد مذهب مردم فارس گوید: «در سرزمین فارس رفتار همگانی بر مذهب اصحاب حدیث است ولی پیروان ابوحنیفه و شافعی بسیارند. معتزلیان و شیعیان در [آرگان] کرانه دریا، بسیارند و مجوسان در آنجا از یهودیان بیشترند.» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۵۳)

قم: تشیع به وسیله خاندان عرب اشعری در قم و در زمان خلافت عبدالملک منتشر شده است. در سال ۸۲ عبا... و احوص، پسران مالک اشعری به قم آمدند. آنان از میان مردمان شهر قضا و عدول را نصب کردند تا اینکه مردم مذهب تشیع را آشکار کردند. اما در گذشته، مردم در تقیه بودند و مذهب خویش را پنهان می‌کردند (حسن بن محمد قمی، ۱۳۶۱: ۲۴۲-۲۴۰). یاقوت حموی مذهب تمام مردم قم را شیعه امامیه معرفی می‌کند (حموی، ۱۳۸۱: ج ۴، ۳۹۷). مقدسی نیز مذهب مردم قم را شیعه غالی می‌داند. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۹۱).

کاشان: بنا به گفته یاقوت حموی، کاشان (قاشان) در نزدیکی اصفهان است و تمام مردم آن شیعه امامیه هستند (حموی، ۱۳۸۱: ج ۴، ۲۹۶). قزوینی، کاشان را چنین توصیف می‌کند: «شهری است میان قم و اصفهان، اهلیش شیعه امامیه و بسیار اهل غلو بوده، هر صبح در انتظار ظهور امام خود بر اسب سوار شده و از شهر بیرون می‌روند به انتظار آن که صاحب و امام ایشان ظاهر شود و چون آفتاب بلند شود به شهر باز می‌گردند و به یکدیگر می‌گویند امروز هم نشد و همیشه در انتظار می‌باشند. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۰۳-۵۰۲)

آبه (آوه): آبه نیز یکی از شهرهای شیعه‌نشین است و اهالی این شهر با اهل ساوه که سنی مذهب بودند، پیوسته در جنگ و منازعه بوده‌اند. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۲؛ حموی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۵۰)

مقدسی در مورد مذهب مردم عراق می‌گوید: «در عراق مجوس بسیار است، اهل ذمه در آنجا یهود و نصارانی‌اند. مذهب بسیاری نیز در آنج پدید آمده است، در بغداد اکثریت با حنبلی و شیعه است. دانشمندان بزرگ در عراق، از ایشان‌اند. در آنجا مالکی، اشعری، معتزلی و نجاری نیز هست. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۷۴)

امیران آل بویه، پیرو مذهب تشیع بودند و به شیعیان اجازه می‌دادند که مراسم عزاداری و مراسم عید غدیر را برگزار کنند. معزالدوله در سال ۳۵۲ دستور داد مردم برای عزاداری در روز عاشورا دکان‌ها را ببندند و خرید و فروش را در بازار ممنوع کرد. خیمه‌هایی به پا کردند و به نوحه‌سرایی و عزاداری امام حسین (ع) پرداختند. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ج ۷، ۲۹۷)

اهل سنت نیز سعی کردند برای رقابت با شیعیان، مراسمی شبیه عاشورا و عید غدیر بسازند. در مقابل عید غدیر، ورود پیامبر (ص) و ابوبکر را در هیجدهم ذی‌حجه جشن گرفتند، در حالی که این حادثه در اوایل ربیع‌الاول اتفاق افتاده بود. آنها در برابر عاشورا نیز ادعا کردند که در دوازدهم محرم، مصعب‌بن‌زبیر به قتل رسیده و همچون شیعیان به سوگواری و عزاداری می‌پرداختند و به زیارت قبر او می‌رفتند. (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ۳۴۷-۳۴۸)

امیران آل بویه نه تنها از انجام مراسم مذهبی اهل سنت جلوگیری نمی‌کردند، بلکه در مواردی نیز آنان را در اعمال مذهبی یاری می‌کردند. ابن‌جوزی می‌نویسد: «معزالدوله هنگامی که وارد بغداد شد، سه نفر از قاریان قرآن که از نظر تلاوت و زیبایی صوت، مشهور بودند به نام‌های ابوالحسن رفاء، ابوعبدا... دجاجی و ابوعبدا... بن‌بهلول را برای اهل سنت معین کرد تا به نوبت برای آنان نماز تراویح بخوانند. (ابن‌جوزی، ۱۳۵۸، ج ۷، ۲۲۸)

در سال ۳۶۹ در زمان عضدالدوله، مردم شیعه و سنی پس از آن همه دشمنی و لعن یکدیگر، آشتی کردند و با هم به مساجد و زیارتگاه‌ها رفتند (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۴۸۱). همچنین در سال ۴۴۲ مردم شیعه و سنی کرخ و قلابین و باب‌الشعیر بغداد نیز

اختلافات را کنار گذاشتند و گرد هم آمدند. شیعیان اهل کرخ به باب نهر قلایین رفتند و در آنجا نماز برپا داشتند.

مختصات مذهبی سلجوقیان

در دوره سلجوقیان، خراسان یکی از مناطق تحت این حکومت بود. از مهمترین شهرهای آن می توان نیشابور، مرو، هرات و بلخ را نام برد. در اینجا به اوضاع مذهبی این شهر می پردازیم:

نیشابور: یاقوت حموی که از این شهر دیدن نموده آن را چنین وصف می کند: «شهری است بزرگ که معدن علما و فضلا می باشد که در ایام عثمان بن عفان فتح شد. در علت نامگذاری این شهر اختلاف نظر وجود دارد. برخی گفته اند بعد از ورود شاپور به این شهر و ناپدید شدن وی، اصحابش در غیاب وی «نیست شاپور» را به کار بردند. پس از آن به این نام شهرت یافت. اکثر مردم نیشابور مذهب حنفی داشتند. البته شیعیان و کرامیه نیز در آن یافت می شدند. (حموی، ۱۳۸۱: ج ۵، ۳۳۱؛ مقدسی، ۱۳۸۵: ۴۷۴ - ۴۷۳)

مرو: از شهرهای مهم خراسان بود که مذهب غالب مردم آنجا حنفی و شافعی بود. یاقوت حموی که به مدت سه سال در مرو اقامت داشت، می گوید: «در سال ۶۱۶ مرو را ترک نمودم، در آن زمان حنفی ها و شافعی ها هر کدام مسجد جامعی برای خود داشتند.» (حموی، ۱۳۸۱: ج ۵، ۱۱۴۵)

هرات: یاقوت حموی در سال ۶۰۷ از این شهر دیدن نموده است و درباره آن می گوید: «از شهرهای مهم و مشهور خراسان است، شهری بزرگتر و بهتر از آن ندیده ام و تعدادی از بزرگان و علما به این شهر منسوب هستند.» بنا به گفته مقدسی، در هرات قاضیان تنها از میان مذهب حنفی و شافعی انتخاب می شدند. (حموی، ۱۳۸۱: ج ۵، ۳۹۶؛ مقدسی، ۱۳۸۵: ۴۷۴)

بلخ: از شهرهای مشهور و بزرگ خراسان است که پربرکت و پرمحصول بود و محصولات این شهر به همه خراسان فرستاده می شد و گفته شده که اسکندر آن را بنا کرده است. احنف بن قیس قبل از عبدا... بن عامر در ایام عثمان بن عفان آن را فتح کرد. (حموی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۴۸۰-۴۷۹)

در این دوره نیز شهرهای اصفهان، فارس، اهواز و شهرهای شیعه‌نشین قم، کاشان، ری و آبه (آوه) تخت حکومت سلجوقیان بودند که در مبحث مختصات مذهبی آل بویه به آن اشاره شد.

پادشاهان سلجوقی، مذهب حنفی داشتند و نسبت به شیعیان و باطنیه اظهار دشمنی می‌کردند. وزیران خود را از میان حنفیان و شافعیان برمی‌گزیدند. عمیدالملک کندری (۴۵۷)، وزیر دانشمند طغرل، تعصب شدیدی نسبت به مذهب حنفی داشت و عرصه را بر پیروان شافعی و اشعری تنگ کرده بود، تعصب او به جایی رسید که درباره لعن کردن رافضیان بر منبرهای خراسان از سلطان اجازه گرفت. او همچنین اسفریان را نیز لعن می‌گفت، همین امر باعث تنفر بزرگان خراسان از وی شد و افرادی از قبیل ابوالقاسم قشیری و امام الحرمین جوینی خراسان را ترک کردند.

خواجه نظام الملک طوسی (۴۸۵) مشهورترین وزیر سلجوقیان، مذهب شافعی داشت. وی از بین مذاهب، تنها حنفی و شافعی را بر حق می‌دانست و دیگر مذاهب را بدعت‌گذار معرفی می‌کرد. وی گفته است: «در همه جهان دو مذهب است که نیک است و بر طریق راست‌اند: یکی حنفی و دیگری شافعی و دیگر هوا و بدعت و شبهت است.» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۴۷: ۱۲۹)

نه تنها برای وزارت، بلکه برای سایر مشاغل نیز افرادی از میان آنها انتخاب می‌شد. نظام‌الملک در این باره می‌گوید: «شغل و عمل خواجگان و متصرفان خراسان را فرمودم که ایشان حنفی یا شافعی پاکیزه باشند. این دو طایفه دشمن رافضی، خارجی و باطنی داشتند و موافق ترک‌اند و نگذاشتم که یک دبیر قلم بر کاغذ نهد.» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۴۷: ۸۸)

نظام‌الملک فصل‌هایی از کتاب «سیرالملوک» را به رافضیان، باطنیان و مزدکیان اختصاص داده و به مذمت آنها پرداخته است. وی می‌گوید: «هیچ گروهی شوم‌تر و نگون‌سارتر و بد فعل‌تر از این قوم (باطنیه و خوارج) نیست، این سگان از نهضت‌ها بیرون آیند و بر این دولت خروج کنند و دعوت شیعت کنند، قوت و مدد ایشان بیشتر از روافض و خرم دینان است و... به قول دعوی مسلمانان می‌کنند ولیکن به معنی فعل کافرنده و باطن ایشان برخلاف ظاهر باشد.» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۴۷: ۲۵۴-۲۵۵)

نظام‌الملک در شهرهای مختلف، مدارس ساخت و آنها را وقف شافعیان کرد. در این مدارس، علما علاوه بر تدریس به وعظ نیز می‌پرداختند و مذاهب دیگر را مورد مذمت قرار می‌دادند و این خود باعث تفرقه بین مذاهب می‌شد و به عنوان نمونه، می‌توان به دو درگیری بین حنفی‌ها و شافعی‌ها اشاره کرد. ابن‌قشیری در سال ۴۶۹ وارد بغداد شد و در نظامیه به مذمت مذهب حنبلی‌ها پرداخت و آنان را به تجسیم نسبت داد و درگیری بین آنها به وجود آمد و تعدادی از مردم کشته شدند. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ج ۸، ۱۷۶)

ابوالقاسم بکری مغربی در سال ۴۷۵ در مدرسه نظامیه به موعظه پرداخت و معایب حنبلی‌ها را ذکر کرد و گفت: «ما کان کفر سلیمان ولكن الشیاطین کفروا والله ما کفر احمد ولكن اصحابه کفروا» همین امر باعث فتنه و درگیری بین اشعری‌ها و حنبلی‌ها شد. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۲۸)

شیعیان در این زمان از انجام مراسم و شعارهای مذهبی منع شدند. سلطان طغرل به اهل کرخ که از مناطق شیعه‌نشین بود، دستور داد در مسجدهایشان شعار «الصلوة خیر من النوم» بدهند. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ج ۸، ۳۲۵؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ج ۲، ۸۲۶)

. مساجد مراکز علمی آل بویه

۱: مسجد، نخستین مرکز آموزشی در اسلام است. پیامبر اکرم (ص) در مسجد، به منظور آگاهی مردم از دین اسلام، علاوه بر اقامه نماز، به ابلاغ وحی و بیان احکام شرعی اسلام نیز می‌پرداختند. پس از رحلت آن حضرت، گروهی از صحابه در مسجدالنبی (ص) در مدینه می‌نشستند و تفسیر قرآن و مسائل دینی و احکام شرعی را به مردم آموزش می‌دادند. پس از صحابه پیامبر (ص) نوبت به تابعین رسید و افرادی نظیر مالک‌بن‌انس و حسن بصری حلقه‌های علمی در مساجد تشکیل دادند. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۵۳-۵۲)

در دوره آل بویه، مساجد یکی از مراکز علمی محسوب می‌شد که در آن فقهاء و محدثین به تدریس می‌پرداختند. مهمترین مساجد آل بویه عبارت بودند از مسجد جامع عتیق شیراز، مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع دارالخلافه بغداد، مسجد جامع براتنا در

بغداد، مسجد جامع واسط در بغداد، مسجد جامع واسط در بغداد، مسجد جامع رصافه، مسجد جامع منصور بغداد.

۲. **خانقاه‌ها و رباط‌ها:** یکی از مراکز علمی، خانقاه‌ها و رباط‌ها بوده است که در آن صوفیه، تعالیم و اصول طریقت را به سالکان حقیقت آموزش می‌دادند و به تهذیب نفس و همچنین به سیر و سلوک معنوی می‌پرداختند.

در خانقاه‌ها سه گروه حضور داشتند: (۱) پیر یا مرشد که ریاست خانقاه را بر عهده داشت، (۲) مرید یا سالک که تعالیم صوفیه را از مرشد فرا می‌گرفت و (۳) خادم که برای تبرک و ثواب اخروی به صوفیان خدمت می‌کرد.

خانقاه‌ها به چند بخش تقسیم می‌شد. بخش بزرگ آن تالار وسیعی به شکل ایوان بود که محل ذکر و سماع و تجمع افراد به شمار می‌رفت و زوایا و حجره‌ها که به پیر و سالکان و خادمان اختصاص داشت. (صفا، ۲-۱۳۵۱: ج ۲، ۲۵۱-۲۵۰)

خانقاه‌ها و رباط‌های معروف دوره آل بویه عبارتند از خانقاه‌های ابو اسحاق کازرونی، خانقاه (رباط) ابوعبدالله... خفیف، رباط زوزنی، رباط زرقانی، رباط ابن بیطار، رباط ابوزرع.

مرشدان و سالکان مشهور در این دوره نیز عبارتند از:

- شیخ عبدالقادر زرقانی (۳۴۰)، از صوفیان شهر شیراز که رباط وی مشهور است.

- ابوعبدالله... محمدبن خفیف معروف به شیخ کبیر (۳۷۱). او در شهر شیراز متولد شد و در جوانی به تحصیل معارف، ادبیات و احادیث نبوی پرداخت و به محضر شیخ جنید بغدادی و منصور حلاج رسید. «در مجلس درس شیخ کبیر هزاران نفر جمع می‌شدند.» (تنوخی، ۱۳۹۲: ج ۳، ۲۲۸)

- ابن بیطار، ابوعبدالله... حسن بن احمد بیطار (۳-۳۶۱)، از صوفیان بزرگ شهر شیراز بود که در فقه، حدیث، علم ادب، طب و تفسیر قرآن تبحر داشت و نزد شیخ ابوعبدالله... خفیف شاگردی نمود. وی در شیراز درگذشت و در بقعه (مزار) خود دفن شد. (شیرازی، ۱۳۲۰: ۵۲)

- شیخ ابوعبدالله... محمدبن عبدالرحمن مقاریضی (۴۱۱)، به علم و ورع و تقوا مشهور بود و تحت نظر شیخ کبیر پرورش یافت و در باهله مجلس وعظ داشت.

مزار مقدس او محل برآوردن حوائج مردم بود. (زرکوب، بی‌تا: ۱۳۵؛ شیرازی، ۱۳۲۰: ۵۲)

- شیخ ابوزرعه عبدالوهاب اردبیلی، ابوالحسن علی‌بن‌ابراهیم حصری صوفی (۳۷۱)، ابواسحاق ابراهیم‌بن‌شهریار کازرونی (۴۲۰)، در شهرهای مختلف ۶۴ خانقاه بنا کرد و در هر خانقاهی درویشی گماشت که به امور خانقاه‌ها پردازد. وی با ابوسعید ابوالخیر نیز مکاتبه‌ای داشت. در کازرون، شیراز، بصره، مکه و مدینه به خدمت بسیاری از اصحاب حدیث رسیده بود. ابواسحاق در شهر کازرون درگذشت. (زرکوب، بی‌تا: ۱۴۶)

۳. بیمارستان‌ها: در این دوره بیمارستان‌ها علاوه بر درمان و مداوای بیماران، محلی برای تدریس طب نیز به شمار می‌رفت، به طوری که تدریس هم به صورت نظری و هم عملی (تئوری- بالینی) صورت می‌گرفت. به این شکل که از بیمار در مورد بیماری‌اش سؤالاتی می‌کردند و شاگردان بایستی بر این اساس نوع بیماری و علاج آن را تشخیص می‌دادند. چنانکه در شرح حال محمد زکریای رازی به آن اشاره شده است:

... در مجلس درس رازی، شاگردان بر اساس رتبه علمی در جاهای خود قرار می‌گرفتند. هرگاه بیماری در آن مجلس حاضر می‌شد، علائم بیماری خود را برای شاگردان شرح می‌داد. شاگردان بی‌واسطه باستی جواب سؤالات را می‌دادند و در غیر این صورت اگر از تشخیص عاجز می‌شدند، نوبت به استاد می‌رسید. پس از معاینه بیمار و سؤالات از وی، بیماری را تشخیص می‌داد. (قفطی، ۱۳۷۱: ۳۷۵؛ ابن‌ندیم، ۱۳۸۱: ۵۳۱)

بیمارستان‌ها به دو بخش مردان و زنان تقسیم می‌شد و هر بخشی مجهز به آلات و ابزار پزشکی پیشرفته و دارای خدمتکاران زن و مرد بود. در هر یک از این دو بخش، چند تالار برای بیماری‌های گوناگون وجود داشت: تالاری برای بیماری‌های داخلی، تالاری برای جراحی، تالاری برای چشم‌پزشکی و تالاری برای شکسته‌بندی. تالار بیماری‌های داخلی، خود دارای چند بخش بود. بخشی برای مبتلایان به تب (محمومین)، بخشی برای محرورین یعنی مبتلایان به بیماری ماینا، یعنی جنون هفتگی، بخشی برای مبرودین یعنی مبتلایان به نفخ و بخشی برای مبتلایان به اسهال

و...

هر بخش رئیس مستقل داشت: رئیس بیمارستان‌های داخلی، رئیس بخش جراحی و شکسته‌بندی و رئیس چشم‌پزشکان. علاوه بر آنان خدمتکاران زن و مرد و بازرسانی هم که در بیمارستان کار می‌کردند، هریک مستمری کافی دریافت می‌کردند. بیمارستان‌ها داروخانه‌ای داشتند که رئیس آن را شیخ صیدلی می‌خواندند. (عیسی بک، ۱۳۷۱: ۳۱-۳۰)

بیمارستان‌های معروف این دوره عبارت بودند از: بیمارستان معزالدوله در بغداد، بیمارستان عضدی بغداد، بیمارستان عضدی شیراز، بیمارستان اصفهان، بیمارستان ابوغالب فخرالملک (بغداد) و بیمارستان واسط.

۴. رصدخانه‌ها: رصدخانه مکانی است که در آن به رصد پدیده‌های کیهانی می‌پردازند. رصد یعنی مطالعه و مشاهده اجرام سماوی و پدیده‌های آسمانی از نظر تعیین حرکات و مواضع و خواص مختلف آنها (مصفی، ۱۳۵۷: ۳۱۸). رصدخانه یکی از مراکز علمی بوده است که در آنجا دانشمندان بیشتر به امر تحقیق می‌پرداختند.

برای رصد ستاره‌ها و تحقیقات نجومی، فراگیری علوم هندسه، حساب، هیئت و احکام نجوم، لازم و ضروری است. ابوریحان بیرونی در این زمینه می‌گوید: «ابتدا کردم به هندسه سپس به شمار (عدد - حساب) و سپس به صورت عالم (هیئت)، سپس به احکام نجوم، زیرا که نام منجمین را سزاوار نشود تا آن چهار علم را به تمامی نداند.» (بیرونی، بی تا: ۲)

اولین رصدخانه جهان اسلام، در زمان مأمون در سال ۲۱۴ ساخته شد. مأمون از دانشمندان خواست که رصدخانه‌ای مانند رصدخانه بطلمیوس بسازند و در آنجا به تحقیق بپردازند. سرانجام در سال ۲۱۴ در کوه دمشق، دانشمندان شمسیه بغداد کار رصد را آغاز کردند، اما با مرگ مأمون در سال ۲۱۸ کار رصد متوقف شد. سپس یحیی بن ابی منصور، خالد بن عبدالملک مروزی، عباس بن سعید جوهری و سندبن علی، نتایج تحقیقات چند ساله خود را مدون ساختند و آن را رصد مأمون نامیدند و هر کدام زیجی برای خودشان تنظیم کردند (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳: ج ۱، ۹۰۵؛ زیدان، ۱۳۳۳: ج ۳، ۲۹۱)

رصدخانه‌های معروف دوره آل بویه عبارتند از رصدخانه ابوالفضل بن عمید (ری)، رصدخانه عضالدوله (شیراز)، رصدخانه عزالدوله (بغداد)، رصدخانه شرفالدوله (بغداد)، رصدخانه فخرالدوله (ری) و رصدخانه اصفهان.

۵. خانه امیران و وزیران: تعدادی از وزیران، اشخاصی نیکوکار و علم دوست بودند که به علما و دانشمندان رشته‌های مختلف علمی احترام می‌گذاشتند، در خانه خود مجالس و محافل علمی تشکیل می‌دادند و از علما و صاحب‌نظران درخواست می‌کردند که جلسات درس و بحث راه بیندازند و خودشان نیز در این جلسات شرکت می‌نمودند و برای هریک از آنان نیز حقوق ماهیانه پرداخت می‌کردند. به این ترتیب، خانه وزیران، مشوق و مروج علم و ادب بود. تعدادی از وزیران و امیران دوره آل بویه که این نوع محافل علمی را تشکیل داده بودند، عبارتند از رکن‌الدوله، حسن بن بویه (۳۶۶)، عضالدوله، ابوشجاع بن رکن‌الدوله (۳۷۲)، ابوالفضل محمد بن عمید (۳۶۰)، ابوالفتح بن عمید (۳۶۶)، ابوالقاسم صاحب، اسماعیل بن عبّاد (۳۸۰)، ابن سعدان وزیر صمصام‌الدوله، شیخ‌الرئیس ابن سینا (۴۲۸).

۶. کتابخانه‌ها: در دوره آل بویه، کتابخانه‌های بزرگی توسط حاکمان بنا شد که علاوه بر نگهداری کتاب، محل آموزش و تحقیق هم بود. مهمترین آنان عبارت بودند از کتابخانه ابوالفضل بن عمید درری که تعداد کتاب‌های آن صد بار شتر یا بیشتر بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۷۷)؛ کتابخانه صاحب‌بن‌عبّاد درری که دارای ۲۶۰ هزار کتاب بود و محل چنین کتابخانه عظیمی، چهارصد بار چار یا بیشتر لازم دانست. (حموی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۳۱۲؛ ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۷، ۱۸۰)؛ کتابخانه عضدی در شیراز که مقدسی در مورد آن می‌نویسد: «نسخه‌ای از هر کتابی که تاکنون در دانش‌های مختلف تألیف شده بود، به این کتابخانه آورده می‌شد. کتاب‌های مربوط به هر علم در یک قفسه چیده می‌شد و دارای فهرست‌هایی بود که نام کتاب‌ها را در آن نوشته بودند» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۱۷)؛ کتابخانه ابوعلی سوار در رامهرمز؛ کتابخانه بهاء‌الدوله بن عضالدوله در شیراز؛ کتابخانه ابومنصور بن مافنه در فیروزآباد فارس که دارای هفت هزار جلد کتاب بود (ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۸، ۱۱۱)؛ کتابخانه حبشی بن معزالدوله در بصره و کتابخانه حیدریه در نجف اشرف.

۷. دارالعلم‌ها: دارالعلم نیز مانند کتابخانه یکی از مراکز علمی بود، با این تفاوت که جنبه آموزشی در آن بیش از کتابخانه بود و کتابخانه جزئی از آن محسوب می‌شد. برخی از این دارالعلم‌ها عبارتند از: دارالعلم شاپور بن اردشیر در بغداد. شاپور وزیر بهاءالدوله بن عضالدوله بود. وی در محله کرخه خانه‌ای خرید و کتاب‌های گوناگون از هر علم و فن به آنجا برد که مجموع آنها بیش از ده هزار جلد بود و نام آن را «دارالعلم» نهاد و آن را بر طالبان علم وقف کرد (ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۸، ۲۲؛ ابن خلکان، بی‌تا: ۲، ۳۵۴)؛ دارالعلم سیدرضی. وی در سال ۳۵۹ در بغداد متولد شد و از دانشمندان بزرگ و شعرای برجسته بود، وی خانه‌ای در محله کرخه را به طالبان علم اختصاص داد و نام آن را «دارالعلم» نهاد و در آنجا تمام نیازهای دانشجویان را برآورده کرد (ابن عنبسه، بی‌تا: ۲۳۹)؛ دارالعلم سید مرتضی. او برادر بزرگ سیدرضی بود و در سال ۳۵۵ در بغداد متولد شد، در بسیاری از علوم زمانه خود کم‌نظیر و در علم کلام، فقه، اصول فقه و ادب، سرآمد همگان بود. او کتابخانه‌ای داشت که هشتاد هزار جلد کتاب را در آن جای داده بود. سیدمرتضی مانند برادرش محل تدریس خود را «دارالعلم» نام نهاد. (ابن عنبسه، بی‌تا: ۳۳۴؛ کسائی، ۱۳۷۵: ۲۸۳).

نظام آموزشی آل بویه

الف) رشته‌های تحصیلی: در دارالعلم‌ها و خانه وزیران، علوم دینی از قبیل فقه، حدیث، تفسیر و نیز علوم اوایل مثل فلسفه، منطق و ریاضیات تدریس می‌شد. مهمترین علمای هر یک از این رشته‌ها عبارت بودند از:

۱. **فقه و اصول فقه:** شیخ مفید، سیدمرتضی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، ابن سراقه و جرجانی.
۲. **حدیث:** شیخ صدوق، شیخ طوسی، نجاشی و ابن سراقه.
۳. **رجال:** نجاشی، شیخ طوسی و شیخ مفید.
۴. **علوم قرآن و تفسیر:** سیدمرتضی، سیدرضی و شیخ طوسی.
۵. **ادب:** سیدرضی، سیدمرتضی، ابن مسکویه و جرجانی.
۶. **کلام:** شیخ مفید، سیدرضی، عبدالجبار معتزلی و ابوحنیفان توحیدی.

۷. **فلسفه و منطق:** ابن سینا، عیسی بن زرعه، یحیی بن عدی، ابوسلیمان سجستانی و ابوالحسن عامری.

۸. **ریاضیات و هندسه:** ابوالفضل بن عمید، ابن مسکویه و ابن سینا.
ب) **گروه‌های آموزشی:** در این مراکز گروه‌های آموزشی مختلفی وجود داشت که عبارت بودند از:

۱. دانشجویان
۲. معیدان که شامل دانشجویان ممتازی بود که درس استاد را بازگو می‌کردند.
۳. استادان

ج) **شرایط و تدریس و تحصیل:** در این مراکز شرایط خاص مذهبی وجود نداشت و افراد با ادیان و مذاهب مختلف در آن شرکت می‌کردند به طوری که در مجلس رکن‌الدوله، ابوالفتح بن عمید و صاحب بن عباد و ابن‌سعدان، علمای شیعه، سنی و مسیحی در کنار یکدیگر حضور داشتند.

د) **شیوه‌های تدریس:** شیوه‌های تدریس به صورت سماع و املاء بوده است. در روش سماع، دانشجویان به گفته‌های استاد گوش می‌دادند اما در روش املاء استاد کلمات را با دقت بیان می‌کرد و دانشجویان می‌نوشتند.

ه) **حقوق و مزایای تحصیلی:** در برخی از این مراکز استادان و شاگردان از حقوق و مزایای مالی برخوردار بودند، به طوری که سید مرتضی برای شاگردان خود، بر اساس رتبه علمی، شهریه ماهیانه مشخص می‌کرد. همچنین عضدالدوله برای فقهاء، مفسران، متکلمان، پزشکان، منجمان، ریاضیدانان و مهندسان مقرری مخصوص قرار دارد.

مراکز علمی سلجوقیان

۱. **مساجد:** در دوره سلجوقیان نیز حلقه‌های درس فقه، حدیث و قرائت در مساجد دایر بوده است. مهمترین مساجد این دوره عبارت بودند از:

- مسجد جامع منیعی نیشابور. این مسجد توسط ابوعلی منیعی، و با کمک آل ب - رسلان و نظام‌الملک ساخته شد و بزرگانی همچون امام‌الحرمین جوینی (۴۷۸)، ابوالمحاسن صابونی، ابونصر نیشابوری (۴۹۱) ابوالقاسم واحدی (۴۸۷) و ابونصر نوقانی

شاگرد امام الحرمین در این مسجد به املاء حدیث پرداختند. (ابواسحاق صریفینی، ۱۳۶۲: ۴۸۶، ۴۵۳، ۲۲۵، ۳۲۸)

- مسجد جامع عتیق نیشابور. ابوسعید نصروری نیشابوری (۴۳۳) از محدثین و امانا که کتاب‌های فراوان نوشته در جامع عتیق (قدیم) نیشابور، چند سال به املاء حدیث پرداخت. (ابواسحاق صریفینی، ۱۳۶۲: ۴۷۸، ۴۷۷)

- مسجد عتیق نیشابور، مسجد ابوعبدا... خبازی، مسجد جامع مرو که ابوبکر سمعانی (۵۱۰) در جامع مرو املاء حدیث می‌کرد و مجالس او به ۱۴۰ جلسه رسید. (ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۹، ۱۸۸)

- مسجد جامع آمل و اصفهان، مسجد جامع واسط، مسجد جامع قصر بغداد.

۲. خانقاه‌ها و رباط‌ها: در دوره سلجوقی، منطقه خراسان از نظر خانقاه و گسترش تصوف حائز اهمیت بود و بسیاری از صوفیان در این منطقه ساکن بوده‌اند.

مهمترین خانقاه‌ها و رباط‌های دوره سلجوقیان عبارت بودند از خانقاه سپاهان که توسط نظام الملک در سپاهان شهر اصفهان ساخته شد و امیرسیدمحمد را که علوی بود به خدمت خانقاه منصوب کرد. هر ساله علما و سادات متصوفه در آن جمع می‌شدند (میهنی، ۱۳۷۸: ۲۲۸)؛ خانقاه ابوسعید ابی‌الخیر؛ خانقاه خواجه عبدا... انصاری در شهر هرات؛ خانقاه ابوالقاسم قشیری در نیشابور؛ خانقاه صندوقی در نیشابور (میهنی، ۱۳۷۸: ۲۷۹)؛ خانقاه ابوحامد غزالی در طوس؛ خانقاه عین‌القضات همدانی در همدان؛ خانقاه شیخ احمد جامی؛ رباط عبدالقادر گیلانی؛ رباط ابونجیب سهروردی و رباط بهروز در بغداد.

از مرشدان معروف این دوره می‌توان به افرادی نظیر ابوسعید احمدبن محمد نیشابوری (۴۷۷)، شیخ ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰-۳۵۷) باباطاهر عریان (۴۷۰)، خواجه عبدا... انصاری (۴۸۱)، ابوالفتح احمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰)، عین‌القضات همدانی (۵۳۵)، شیخ احمد جام (ژنده پیل) (۵۳۶)، شیخ رکن‌الدین معروف به زاهد (۵۵۰)، عبدالقادر جیلی (گیلانی) (۵۶۱) و ابونجیب عبدالقادر بن عبدا... سهروردی (۵۶۳) اشاره نمود.

۳. بیمارستان‌ها: معروفترین بیمارستان‌های عصر سلجوقی عبارتند از:

- بیمارستان عضدی بغداد. پس از عضدالدوله، فرزندانش اداره بیمارستان را برعهده گرفتند و موقوفاتی صرف آن کردند، ولی بعدها به علت تأمین نشدن مخارج بیمارستان، وضعیت نامطلوبی پیدا کرده بود. عبدالملک کندی این بیمارستان را در زمان طغرل بیک، مورد بازرسی قرار داد. وی مشاهده کرد که دارویی در بیمارستان وجود ندارد، بیماران روی زمین خوابیده‌اند و آب و غذا و دارویی موجود نیست. پس از تحقیق، معلوم شد که شخصی یهودی معروف به «ابن‌الهارونی» موقوفات بیمارستان را به نفع خود ضبط کرده است. عبدالملک دست یهودی را از بیمارستان کوتاه کرد و شروع به آبادانی بیمارستان نمود. در اطراف بیمارستان صد دکان احداث کرد و داروهای گیاهی لازم در بیمارستان را جمع‌آوری نمود. برای بیمارستان لحاف و تشک تهیه کردند، بیست و هشت طبیب، آشپز و نگهبان آوردند و پزشکان صبح و عصر به نوبت سرکشی می‌کردند (سرمدی، ۱۳۷۹: ۴۰۵). در سفر ملک‌شاه و خواجه نظام‌الملک به بغداد، خواجه نظام باغ‌ها و زمین‌های اطراف بیمارستان را برای مدت پنجاه سال اجاره کرد تا به مصرف هزینه‌های بیمارستان برسد. (کسائی، ۱۳۷۵: ۴۶۰)

- بیمارستان سیار سلطان محمود (۵۲۵)، بیمارستانی مجهز به طبیب، دارو، لوازم پزشکی و لباس برای بیماران بود و سابقه آن به قبل از آل بویه می‌رسید. سلطان محمود پسر سلطان محد بن ملک‌شاه سلجوقی، بیمارستان بزرگی داشت که مانند خیمه برافراشته می‌شد و برای حمل آن چهل شتر همراه لشکر سلطان محمود بود. (ابن خلکان، بی تا: ج ۳، ۱۲۳)

- بیمارستان نیشابور، خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵)، وزیر آل اربلان و ملک‌شاه در نیشابور، این بیمارستان را تأسیس کرد. (سبکی، ۱۳۸۵: ج ۷، ۲۱۳)

۴. رصدخانه‌ها: ملک‌شاه در سال ۴۶۷ به همت وزیرش خواجه نظام‌الملک طوسی، رصدخانه‌ای به نام رصدخانه ملک‌شاه در اصفهان تأسیس کرد و گروهی از بزرگان منجمین همانند عمر بن ابراهیم خیّام، ابوالمنظر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی و دیگران در انجام این کار به او کمک کردند. در این سال، نظام‌الملک و ملک‌شاه گروهی از منجمان را گرد آوردند و روز اول حمل (فروردین) را نوروز مقرر کردند (پیش از این تاریخ، نوروز در نیمه حوت (اسفند) بود) و این روز مبدأ تقویم‌ها گردید (تقویم جلالی) (ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۳۳۶) گرچه هزینه فراوانی صرف احداث این

رصدخانه شد اما این رصدخانه در سال ۴۸۵ که مصادف با وفات ملکشاه بود، از بین رفت.

۵. **خانه وزیران و امیران:** حسن بن علی معروف به نظام الملک طوسی (۴۸۵) به مدت ۳۰ سال وزارت آلب ارسلان و پسرش ملکشاه را به عهده داشت، مجالس او به علما، قاریان و زاهدان مزین بود و بزرگانی همچون ابوالقاسم قشیری، ابواسحاق شیرازی و امام الحرمین جوینی در این مجالس جمع می شدند.

۶. **مدارس:** خواجه نظام الملک از مشهورترین افرادی است که مدارس را بنا کرد. این مدارس به «نظامیه» شهرت یافت. سبکی تاسیس ۹ مدرسه را به نظام الملک نسبت می دهد که عبارتند از مدرسه بغداد، مدرسه بلخ، مدرسه نیشابور، مدرسه هرات، مدرسه اصفهان، مدرسه بصره، مدرسه مرو، مدرسه آمل طبرستان و مدرسه موصل. در دوره سلجوقی علاوه بر مدارس نظامیه، مدارس دیگری نیز بنا شد که نسبت به نظامیه ها از اهمیت کمتری برخوردار بودند. قبل از اینکه خواجه نظام الملک مدارس را بنا کند، در نیشابور مدارس زیادی وجود داشته که برخی از آنها عبارتند از مدرسه سعیدیه، مدرسه ابن فورکی، مدرسه ابوعلی دقاق، مدرسه بستی، مدرسه ابوعثمان صابویی و مدرسه ابوسعید زاهد خرگوشی. (صریفینی، ۱۳۶۲: ۶۳۶، ۱۱۲، ۴۳۲)

نظام آموزشی سلجوقیان

الف) رشته های تحصیلی: در آغاز تأسیس نظامیه بغداد، شرط شده بود که دروس فقه شافعی، قرائت قرآن و علوم ادبی تدریس شود. (ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۹، ۶۶) اما به تدریج علوم دیگری از قبیل خلاف، حدیث، تفسیر، کلام و... در نظامیه ها تدریس شد و به دامنه رشته های تحصیلی افزوده گردید و در این زمینه کتاب هایی نیز تألیف شد. عناوین و رشته های تحصیلی مذکور عبارتند از: فقه و اصول فقه که امام الحرمین جوینی، ابواسحاق شیرازی، ابواحمد غزالی، ابومظفر سمعانی و غیره آن را تدریس می کردند.

حدیث یکی دیگر از رشته‌هایی بود که در نظامیه تدریس می‌شد. مدرسان حدیث ابواسحاق شیرازی، ابومحمد فارسی شیرازی، ابو نصر رامشی، ابوبکر سمعانی، ابوالخیر قزوینی بودند.

خلاف علمی بوده است که مسائل مورد اختلاف میان مذاهب فقهی را بیان می‌نموده است. در مدارس نظامیه، خلاف نیز تدریس می‌شد و مهمترین مدرسان آن عبارت بودند از: امام الحرمین، ابواسحاق شیرازی، ابونصر صباغ، کیاهراسی، ابوحامد غزالی، ابومظفر سمعانی، ابوالخیر قزوینی.

کلام علمی است که به وسیله آن عقاید دینی را با دلایل عقلی و نقلی اثبات و شبهات را رفع می‌کنند. در مدارس نظامیه که هدف آن تقویت فقه شافعی بود کلام نیز تدریس می‌شد، اما بیشتر به مباحث جدلی می‌پرداختند.

تفسیر و علوم قرآن نیز از جمله موارد درسی مدارس نظامیه بوده است. علم و ادب یکی دیگر از علومی است که در مدارس نظامیه تدریس می‌شد و شامل لغت، نحو، صرف، معانی و بیان می‌شد و فراگیری این علوم در مدارس نظامیه در فهم و درک عمیق متون دینی و مسائل فقهی به دانشجویان کمک می‌کرد.

ب) گروه‌های آموزشی:

دانشجویان: شهرت مدارس نظامیه، استادان برجسته و مزایای تحصیلی از عواملی بود که باعث جذب دانشجویان می‌شد، دانشجویان پس از گذران تحصیلات عالی و کسب لیاقت‌های علمی، یا به عنوان مدرس در نظامیه‌ها تدریس می‌کردند و یا در مناصب دولتی و اجتماعی به جمع قضا و مفتیان می‌پیوستند.

معیدان: در اصطلاح به معنای «بازگوکننده» است و معیدان، دانشجویان ممتازی بودند که در امر تدریس، استاد را یاری می‌کردند و جایگاهی بین دانشجو و مدرس داشتند.

نائب مدرس: هرگاه در مدارس نظامیه، مدرس یافت نمی‌شد، فردی که صلاحیت و شایستگی علمی داشت، موقتاً به جای وی تدریس می‌کرد. (کسائی، ۱۳۶۹:

مدرسان: مدرسان نظامیه، از بالاترین جایگاه علمی برخوردار بودند و از دانشمندان مشهور روزگار بودند.

ج) شرایط تدریس و تحصیل:

۱- شرایط مذهبی: بر اساس وقفنامه مدرسه نظامیه، یکی از شرایط تحصیل و تدریس در آن، پیروی از مذهب شافعی بود (سبکی، ۱۳۸۵: ج ۷، ۲۳۳). کیهراسی (۵۰۴) که بعد از غزالی از بزرگترین شاگردان امام الحرمین جوینی بود، به این دلیل که نامش با یکی از اسماعیلیان باطنی که لقب «کیا» داشت، مشترک بود، متهم به باطنیه شد و خواستند او را از نظامیه اخراج کنند تا اینکه با گواهی عده‌ای از علما بر شافعی بودن او، از این اتهام مبرا شد. همچنین فصحی استرآبادی که از استادان نحو در نظامیه بود، به جرم تشیع، اخراج شد و زمانی که شاگردانش قصد داشتند که نزد وی تحصیل کنند، به آنها توصیه کرد که در مدرسه بمانید و آنجا را ترک نکنید (سیوطی، ۱۳۹۹: ج ۲، ۱۹۷). بنابراین، تدریس و تحصیل در نظامیه، مخصوص شافعی‌ها بوده است.

۲- شرایط علمی: افرادی می‌توانستند در مدارس نظامیه تدریس کنند که از بالاترین جایگاه علمی برخوردار باشند.

۳- شرایط اخلاقی: علاوه بر شرایط مذهبی و صلاحیت‌ها و شایستگی‌های علمی، لازم بود مدرسان از روحیات و سجایای اخلاقی برخوردار باشند، ابونصر محمدبن علی بن احمد نظام‌الملک با وجود حرمت و شرف خانوادگی، به دلیل اینکه زنی از وی شکایت کرد که وی با او ازدواج کرده و ابونصر در ابتدا این قضیه را منکر شد و سپس اعتراف کرد، از منصب مدرسی عزل گردید. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۱۲، ۲۶۳)

د) شیوه‌های تدریس:

۱- سماع: دانشجویان به گفته‌های استاد گوش می‌دادند. برخی از آنها هم این شنیده‌ها را می‌نوشتند. این شیوه در مورد حدیث بکار می‌رفت. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۲۳۷)

۲- املاء: استاد در شیوه املاء، هر کلمه را با ضبط دقیق بیان می‌کرد و دانشجویان هم گفتار استاد را با دقت می‌نوشتند. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۲۳۷)

هـ) حقوق و مزایای تحصیلی: برای مدرسه نظامیه موقوفات بزرگ و املاکی اختصاص داده بودند و درآمد حاصل از آن را به مصرف فقیهان مدرس و مستمری دانشجویان، جهت گذراندن معاش می‌رساندند (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۷۹). ابن جوزی هزینه‌هایی را که برای نظامیه بغداد می‌شده، ۱۸ هزار دینار ذکر کرده و نوشته است روزانه برای هر دانشجو چهار رطل (هشتاد و چهار مثقال) نان در نظر می‌گرفتند. (ابن جوزی، ۱۳۵۸: ج ۹، ۶۶؛ ج ۸، ۲۴۷)

مقایسه نظام آموزشی و مراکز آل بویه و سلجوقیان

پس از ارائه گزارش تفصیلی مراکز آموزشی و شرایط حضور استادان و دانشجویان در این مراکز، در این بخش به مقایسه نظام آموزشی و مراکز علمی (مساجد، خانقاه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، کتابخانه‌ها، خانه وزیران و مدارس) دو دوره آل بویه و سلجوقیان پرداخته می‌شود.

۱. مساجد: مسجد نخستین مرکز آموزشی در اسلام بوده است که علاوه بر عبادت و پرستش و ادای فرایض دینی، مکانی برای تبلیغ و تعلیم آموزه‌های دینی نیز بوده است. پیامبر اکرم (ص) به عنوان نخستین آموزگار تعالیم اسلامی در مسجد، علاوه بر اقامه نماز، به منظور آگاهی مردم از دین اسلام، به ابلاغ وحی و بیان احکام شرعی می‌پرداختند. پس از رحلت آن حضرت، گروهی از صحابه در مسجد النبی (ص) می‌نشستند و تفسیر قرآن و مسائل دینی و احکام شرعی را به مردم آموزش می‌دادند. امر آموزش در سایر سرزمین‌های اسلام هم گسترش یافت و حلقه‌های درس فقه، احادیث و تفسیر قرآن در مساجد برپا شد.

در دوره آل بویه و سلجوقیان مساجد همچنان یکی از مراکز آموزشی محسوب می‌شد که در آنجا فقهاء و محدثین به تدریس مشغول بودند. مهمترین مساجد آل بویه عبارت بودند از: ۱- مسجد جامع عتیق شیراز ۲- مسجد جامع اصفهان ۳- مسجد جامع

دارالخلافة بغداد ۴- مسجد جامع برائا ۵- مسجد جامع واسط ۶- مسجد جامع رصافه
۷- مسجد جامع منصور در بغداد.

در دوره آل بویه در مساجد جامع که از مساجد مهم شهر محسوب می‌شدند، فقهیان و محدثان شیعه و سنی به تدریس فقه و حدیث می‌پرداختند. مسجد دارالخلافة، محل تدریس فقهیان شافعی و مالکی بوده است. ابن‌نصرویه که مذهب شافعی داشت به مدت ۲۰ سال در مسجد جامع اصفهان تدریس کرد. احمد بن محمد ابیوردی (۴۲۵) یکی از فقهیان شافعی و از شاگردان ابوحامد اسفراینی بود، در مسجد جامع منصور حلقه فتوا داشت و به روایت حدیث می‌پرداخت. مسجد برائا نیز از مراکز آموزشی شیعیان بوده است.

مهمترین مساجد سلجوقیان عبارت بودند از:

۱- مسجد جامع منیعی نیشابور ۲- مسجد جامع عتیق نیشابور ۳- مسجد عقیل نیشابور ۴- مسجد جامع ابوعبدا... خبازی ۵- مسجد جامع مرو ۶- مسجد جامع آمل و اصفهان ۷- مسجد جامع واسط ۸- مسجد جامع قصر بغداد.

در دوره سلجوقیان در مسجد جامع منیعی نیشابور که با کمک آل بارسلان و نظام الملک ساخته شد، فقه‌های بزرگ شافعی همچون امام الحرمین جوینی، ابوالمحاسن صابونی و ابونصر نوقانی به املاء حدیث می‌پرداختند؛ همچنین در مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع مرو، مسجد جامع آمل، مسجد جامع واسط و جامع قصر بغداد، شافعی مذهب تدریس می‌کردند.

در این دوره مساجد مورد توجه حاکمان و وزیران بود، اما تعداد مساجد در دوره سلجوقیان بیشتر از آل بویه و مسجد جامعی که توسط آل بارسلان و نظام الملک ساخته شد، از مراکز آموزشی مهمی محسوب می‌شد؛ برخلاف دوره آل بویه، مساجدی که توسط حاکمان ساخته شد، از مراکز آموزشی محسوب نمی‌شد، اما بقیه مساجد این دوره از مراکز آموزشی بوده و اختصاص به مذهب خاصی نداشت و مذاهب مختلف در آنجا تدریس می‌کردند. برخلاف دوره سلجوقیان که مساجد مهم اختصاص به مذهب شافعی داشت.

۲. خانقاه‌ها: یکی از مراکز علمی در تاریخ اسلام، خانقاه‌ها و رباط‌ها بوده است که در آنجا صوفیه، تعالیم و اصول طریقت را به سالکان حقیقت آموزش می‌دادند و افراد در آن مراکز به تهذیب نفس و همچنین به سیر و سلوک معنوی می‌پرداختند.

در دوره آل بویه و سلجوقیان، خانقاه‌ها مورد توجه هر دو حکومت بوده است به طوری که عضدالدوله در بیرون دروازه شیراز برای ابوعبدا... خفیف خانقاهی ساخت. نظام‌الملک نیز در اصفهان خانقاهی ساخت و سیدمحمدعلی را به خدمت آن منصوب نمود. خانقاه‌ها و رباط‌های معروف آل بویه عبارت بودند از (۱) رباط زوزنی، (۲) رباط زرقانی، (۳) خانقاه (رباط) ابوعبدا... خفیف، (۴) رباط ابن بیطار، (۵) رباط ابوزرع و (۶) خانقاه ابواسحاق کازرونی.

صوفیه در اواخر قرن چهارم و در دوره آل بویه از بغداد به شیراز انتقال یافت و صوفیان و عرفای مشهوری در این منطقه ظهور کردند که مشهورترین آنها ابوعبدا... خفیف معروف به شیخ کبیر بود. عضدالدوله در بیرون دروازه شهر شیراز برای او خانقاهی ساخت. وی نیز به تربیت شاگردان پرداخت. در مجلس درس او هزاران نفر جمع می‌شدند. حسین بن محمد اکار، ابوعبدا... محمد بن عبدالرحمن مقاریضی و ابواسحاق کازرونی از جمله شاگردان او بودند.

ابواسحاق کازرونی نیز از صوفیان مشهور این دوره بود. وی از جمله صوفیانی بود که تحصیل علوم شرعی را برای اهل طریقت و حقیقت لازم می‌دانست. منطقه خراسان در دوره سلجوقیان از نظر خانقاه و گسترش تصوف دارای اهمیت خاصی بود، به طوری که بسیاری از صوفیان، ساکن این منطقه بودند.

مهمترین خانقاه‌ها و رباط‌های دوره سلجوقی عبارت بودند از (۱) خانقاه سپاهان اصفهان، (۲) خانقاه ابوسعید ابی‌الخیر، (۳) خانقاه خواجه عبدا... انصاری در شهر هرات، (۴) خانقاه ابوالقاسم قشیری در نیشابور، (۵) خانقاه صندوقی در نیشابور، (۶) خانقاه ابوحامد غزالی در طوس، (۷) خانقاه عین‌القضات همدانی در همدان، (۸) خانقاه شیخ احمد جام، (۹) رباط عبدالقادر گیلانی، (۱۰) رباط ابونجیب سهروردی و (۱۱) رباط بهروز در بغداد.

در دوره سلجوقیان، تعداد خانقاه‌ها و رباط‌ها از دوره آل بویه بیشتر بود. همچنین تعداد عارفان نیز بیش از دوره آل بویه بود، به طوری که عارفان بزرگی همچون ابوسعید ابی‌الخیر، باباطاهر عریان، ابوالفتح احمد غزالی، ابوالقاسم قشیری، خواجه عبدا... انصاری، عین‌القضات همدانی و دیگران در این دوره ظهور کردند و در زمینه عارفان نیز کتاب‌های فراوانی تألیف شد.

می‌توان این نکته را محتمل دانست که اختلافات مذهبی سبب گسترش خانقاه‌ها شده باشد، چرا که عده‌ای از دنیا عزلت گزیدند و به دور از حکومت در خانقاه ساکن شدند و به زهد و فراگیری عرفان روی آوردند. البته خانقاه‌ها در این دوران از آن جهت که از مراکز علمی محسوب می‌شده‌اند، همچنان مورد توجه حاکمان آل بویه و سلجوقی نیز بوده‌اند.

۳. بیمارستان‌ها: با توجه به اهمیت درمان در هر زمان، بیمارستان‌ها در هر دو دوره آل بویه و سلجوقیان مورد توجه بوده است. البته در دوره آل بویه، بیمارستان‌ها چه از نظر تعداد و چه از نظر کیفیت از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. مهمترین بیمارستان‌های دوره آل بویه عبارت بودند از:

۱- بیمارستان معزالدوله: معزالدوله در سال ۳۵۵ بیمارستانی در بغداد تأسیس کرد و برای آن موقوفاتی در نظر گرفت و املاکی وقف آن نمود که درآمد حاصل از آن املاک، سالانه پنج هزار دینار بود.

۲- بیمارستان عضدی شیراز: این بیمارستان به داشتن ابزار و آلات پزشکی و پزشکان ماهر و زبردست و حقوق‌بگیران بسیار و همچنین موقوفات فراوان مشهور بود.

۳- بیمارستان عضدی بغداد: عضدالدوله این بیمارستان را در سال ۳۶۸ در جانب غربی بغداد احداث و در سال ۳۷۲ افتتاح نمود. عضدالدوله برای کارهای درمانی، پزشکان، خدمتکاران، انبارداران و سرپرستان، بودجه فراوانی تعیین کرد و انواع داروها و گیاهان درمانی را به بیمارستان فرستاد و از مناطق مختلف ۲۴ پزشک در تخصص‌های مختلف چشم پزشکی، جراحی، شکسته‌بندی و عمومی استخدام نمود. این بیمارستان تا سال ۶۲۶ به فعالیت‌های درمانی خود ادامه داد.

۴- بیمارستان اصفهان: از بیمارستان شیراز آبادتر بود و ابن‌مندیویه اصفهانی قبل از حضور در بیمارستان عضدی بغداد، در این بیمارستان به درمان بیماران می‌پرداخته و برای افرادی که به طب اشتغال داشتند، کتابی تألیف نموده است.

۵- بیمارستان ابوغالب فخرالملک: فخرالملک از وزرای بزرگ و دانشمند آل بویه بود که در بغداد بیمارستانی کم‌نظیر تأسیس نمود.

۶- بیمارستان واسط: مؤیدالملک ابوعلی حسن بن حسن رخجی وزیر شرفالدوله بن بهاءالدوله آنجا را در سال ۴۱۳ در واسط بنا کرد. داروها و گیاهان درمانی فراوانی به

آنجا فرستاد و موقوفات زیادی را جهت نگهداری و پزشکان و دیگر کارکنان در نظر گرفت.

از نظر کیفیت و تعداد پزشکان و نظارت بر بیمارستان‌ها نیز در این دوره تلاش‌های زیادی صورت گرفت، به طوری که عضالدوله از مناطق مختلف ۲۴ پزشک با تخصص‌های مختلف را به استخدام بیمارستان عضدی بغداد درآورد. همچنین در درون بیمارستان‌ها داروخانه‌هایی ساختند و انواع گیاهان داروهای طبی را فراهم آوردند.

پزشکان در دوره آل بویه در کنار طبابت و تدریس، به ترجمه، شرح و تفسیر کتاب‌های پزشکی و دیگر علوم از قبیل فلسفه و منطق نیز پرداختند. در میان این پزشکان افراد مسیحی همچون نظیف نفس رومی، ابوالفرج عبدا... بن طیب و ابن بطلان دیده می‌شود. پزشکان معروفی در این دوره ظهور کردند که ابن سینا، ابو ماهر شیرازی، علی بن عباس مجوسی، ابن مندویه اصفهانی و جبرائیل بن عبدا... بن بختیشوع از آن جمله‌اند. در این دوره برای اولین بار کتاب‌هایی درباره ابزار و آلات حراحی و در موضوع طب نوشته بود.

در دوره سلجوقیان نیز گرچه نظام‌الملک بیمارستانی در نیشابور ساخته بود، اما از کیفیت و تعداد پزشکان این بیمارستان اطلاعی در دست نیست. در زمان طغرل عمیدالملک کندی بیمارستان عضدی را که رو به ویرانی گذاشته بود، بازسازی و احیا نمود. در زمان سلطان محمود بن محمد، بیمارستان بسیاری مجهز به تجهیزات و ابزارآلات پزشکی ساخته شد. اما این بیمارستان در خدمت لشکر سلطان بود. نمونه چنین بیمارستان‌هایی برای شهرهای کوچک که به بیمارستان‌های بزرگ دسترسی نداشتند، ساخته نشد. در این دوره نیز تألیف، ترجمه و شرح کتاب‌های پزشکی ادامه یافت اما این امر نسبت به دوره آل بویه، روند محدودتری داشت.

۴. رصدخانه‌ها: رصدخانه یکی از مراکز علمی بوده است که دانشمندان در آن بیشتر به امر تحقیق می‌پرداختند و احوال ستارگان و پدیده‌های آسمانی از نظیر تعیین حرکت و احکام خاص آن را مورد بررسی قرار می‌دادند. در تحقیقات نجومی، فراگیری علوم هندسه، حساب، هیئت و احکام نجوم، لازم و ضروری بود. مهمترین رصدخانه‌های دوره آل بویه عبارت بودند از:

۱. رصدخانه ابوالفضل بن عمید که در سال ۳۴۸ در ری ساخته شد.

۲. رصدخانه عضدالدوله در سال ۳۵۹ در شیراز بنا شد و عبدالرحمن صوفی با حضور گروهی از دانشمندان از جمله ابوسهل ویجن بن رستم کوهی، احمد بن محمد سنجر، ابوالقاسم غلام زحل و دیگران، به کار رصد در آنجا پرداختند.
 ۳. رصدخانه عزالدوله بختیار که در باب التبن بغداد ساخته شد و ابوالفداء بوزجانی بیشتر رصدهای خود را در سال ۳۶۵ و ۳۶۶ در آنجا انجام داد.
 ۴. رصدخانه فخرالدوله که در کوه طبرک در نزدیکی شهرری واقع شده است.
 ۵. رصدخانه شرفالدوله که در سال ۳۷۸ در بغداد در آخر بستان نزدیک دروازه حطابین ساخته شد.
 ۶. رصدخانه اصفهان که ابن سینا و یکی از شاگردان وی به نام ابوعبید جوزجانی به فرمان علاءالدوله کاکویه (۴۳۳) مأمور تأسیس و اداره آن شدند.
- در دوره آل بویه، رصدخانه‌ها مورد توجه امیران و وزیران بوده است، به طوری که در شهرهای ری، شیراز، بغداد و اصفهان شش رصدخانه ساختند و دانشمندان را برای تحقیقات نجومی دعوت نمودند. برخی از این دانشمندان جزء اقلیت‌های مذهبی بودند مانند ابواسحاق ابراهیم بن هلال که مذهب صائبی داشت و ابوسعید فضل بن بوس و نظیف بن یمن رومی که مسیحی بودند. اما در دوره سلجوقیان، رصدخانه‌های کمتری وجود داشته است و تنها رصدخانه ملک‌شاه را می‌توان ذکر کرد. به علاوه در میان دانشمندان نجوم این دوره که نامشان در تاریخ ثبت و گزارش شده است، اقلیت‌های مذهبی به چشم نمی‌خورد.
- با تأسیس رصدخانه‌های مختلف در دوره آل بویه و حمایت امیران و وزیران از دانشمندان، کتاب‌های فراوانی تألیف شد. علوم دیگری از جمله ریاضی، حساب و هندسه که با علم نجوم مرتبط بودند، گسترش یافت و با استفاده از علوم، ابزار و وسایلی برای رصدخانه‌ها ساخته شد که قبلاً سابقه نداشت و ریاضیدانان و منجمان بزرگی ظهور کردند که از میان آنها می‌توان احمد بن محمد صاغانی، ابوالفداء جوزجانی، ابومحمد خجندی و ابوسعید احمد سنجر را نام برد.
- اما به نظر می‌رسد در دوره سلجوقیان، هدف از تأسیس رصدخانه، فقط تغییر تقویم بود. دانشمندان بزرگی چون عمر خیام، عبدالرحمن خازنی، لوکری و اسفزاری در این جریان حضور داشتند و مبدأ تقویم را از نیمه اسفند (حوت) به روز اول فروردین (حمل) تغییر دادند و شروع سال جدید را نوروز اعلام کردند که این

تقویم به تقویم جلالی مشهور گردید (مأخوذ از اسم جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی). اگرچه در این دوره دانشمندان مشهوری دیده می‌شوند و تألیفاتی هم به جای گذاشتند، اما نسبت به دوره آل بویه پیشرفت چندانی حاصل نشد و ابزار و آلات نجومی کمتری ساخته شد.

۵- کتابخانه‌ها، دارالعلم‌ها، خانه وزیران و مدارس نظامیه: کتابخانه‌ها نیز در نزد امیران و وزیران آل بویه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، به طوری که کتابخانه‌های بزرگی در مناطق مختلف تأسیس کردند و به گردآوری کتاب‌هایی در انواع علوم پرداختند و از آنجا به عنوان مراکز علمی استفاده می‌شد و علاوه بر نگهداری کتاب، محل آموزش و تحقیق نیز بود. مهمترین کتابخانه‌های آل بویه عبارت بودند از: کتابخانه ابوالفضل بن عمید، کتابخانه صاحب‌بن‌عباد، کتابخانه عضدی شیراز، کتابخانه ابوعلی سوار، کتابخانه بهاء‌الدوله بن‌عضدالدوله، کتابخانه ابومنصور بن مافنه، کتابخانه حبشی بن‌معزالدوله، که در این مراکز علاوه بر مجالس درس و بحث و تحقیق جمعاً متجاوز از سیصد هزار کتاب نگهداری می‌شده است.

دارالعلم نیز مانند کتابخانه یکی از مراکز علمی بوده است، با این تفاوت که در آن جنبه آموزشی بیش از کتابخانه بوده و گاه کتابخانه جزئی از آن محسوب می‌شده است. مهمترین دارالعلم‌های دوره آل بویه عبارت بودند از دارالعلم شاپوربن اردشیر، دارالعلم سیدرضی، دارالعلم سیدمرتضی. در برخی از این مراکز علمی، دانشجویان علاوه بر امکان تحصیل و تحقیق و بهره‌برداری از کتابخانه‌ها و... مقررری نیز دریافت می‌کردند. در میان دانشجویان مشغول به تحصیل در دارالعلم سیدمرتضی، نام شخصی یهودی نیز که به تحصیل نجوم مشغول بود، ذکر شده است که البته بعدها مسلمان شد.

در خانه امیران و وزیران آل بویه، علوم اوایل (علوم قدیمه) همچون فلسفه، منطق و ریاضیات تدریس می‌شد و با حمایت از این دانشمندان و تعیین مقرری برای ایشان، این علوم احیا شد. نه تنها علمای شیعه و سنی در مجالس علمی آنان شرکت می‌کردند، بلکه افراد مسیحی نیز حضور داشتند. رکن‌الدوله مجلسی داشت که در آن مجلس علمای شیعه و علمای اکثر فرق اهل سنت حضور داشتند. در آنجا علما به مناظره و مباحثه علمی می‌پرداختند و هر دو گروه در اظهار عقیده آزاد بودند.

عضدالدوله در منزل خود، جایگاهی نزدیک مجلس خاص خویش برای حکماء و فلاسفه اختصاص داد که دور از سر و صدای مردم به بحث و گفتگوهای علمی بپردازند و به هر یک از آنها ماهیانه حقوق می‌داد و به این وسیله دانش‌های مرده احیاء شدند. دانشمندان این علوم که پراکنده بودند، گرد هم آمدند و جوانان به فراگیری این علوم و استادان به آموزش آنها پرداختند. وی همچنین برای هر یک از گروه‌های فقها، مفسران، متکلمان و محدثان، نسب‌شناسان، شاعران، نحوی‌ها، پزشکان، منجمان، ریاضیدانان و مهندسان مقرری مخصوصی قرار داد.

ابوالفضل بن عمید از بهترین نویسندگان زمانه خود بود که در شعر و ادبیات، ید طولایی داشت. او درباره تأویل قرآن، شناخت متشابهات و آگاهی از اختلاف فقها اطلاعات بسیار وسیعی کسب کرده بود و در دانش هندسه، ریاضیات، منطق و علوم فلسفه، به ویژه الهیات، کمتر کسی به پای او می‌رسید. گروهی نزد وی ادبیات و دانش‌های گوناگون را فرا می‌گرفتند.

ابوالفتح بن عمید ملقب به ذوالکفایتین، هنگامی که وارد بغداد شد، محافل علمی برای علما تشکیل داد. ابن عمید، ایام هفته را به علوم مختلف اختصاص می‌داد. مثلاً روزی را به فقها، روزی دیگر را به ادبا، روز دیگر را به متکلمان و روزی را به فلاسفه اختصاص داد و اموال فراوانی را صرف آنها نمود. حضور افرادی مانند ابوسلیمان سجستانی حنفی، ابوالحسن بن کعب انصاری، ابوالبقال شاعر، ابن‌اعرج نمیری مخصوصاً ابوالحسن عامری باعث رونق این محافل شد.

صاحب بن عبّاد در مراتب علم، فضل، فصاحت، بلاغت و علوم مختلف، مشهور بود و به ویژه با معتزله مناظره می‌کرد، تحت الحنک می‌انداخت و به سماع و املاء حدیث می‌پرداخت. جمعیت کثیری در درس وی شرکت می‌کردند و شش نفر معید، درس وی را با صدای بلند تکرار می‌کردند و شاگردان نیز مطالب استاد را می‌نوشتند. در این جلسه، قاضی عبدالجبار معتزلی شافعی نیز حضور داشت.

ابن‌سعدان وزیر صمصام‌الدوله بود که علما و ادبا را در رشته‌های مختلف در خانه خود جمع می‌کرد تا به بحث در موضوعات مختلف بپردازند. در این مجلس ابن‌زرعه فیلسوف مسیحی، ابن‌مسکویه، ابوالوفاء بوزجانی، ابوحیان توحیدی شافعی و تعدادی از شاعران حضور داشتند.

در زمان سلجوقیان، کتابخانه‌ها مرکز علمی مستقلی نبودند، بلکه جزئی از مدارس و یا مساجد محسوب می‌شدند. مدارس نظامیه که از مهمترین مراکز علمی سلجوقیان بود، کتابخانه‌هایی داشتند که جنبه آموزشی نداشت. به عنوان نمونه نظامیه بغداد، کتابخانه بزرگی داشت که ابو زکریا خطیب تبریزی از مدرسان ادب، مسئولیت کتابخانه نظامیه را بر عهده داشت.

نظام‌الملک از مشهورترین افرادی است که در شهرهای مختلف، مدارس بنا کرد. این مدارس به «نظامیه» شهرت یافتند. ۱۲ مدرسه به نظام‌الملک منسوب است که عبارتند از (۱) نظامیه بغداد، (۲) نظامیه بلخ، (۳) نظامیه نیشابور، (۴) نظامیه هرات، (۵) نظامیه اصفهان، (۶) نظامیه بصره، (۷) نظامیه مرو، (۸) نظامیه آمل طبرستان، (۹) نظامیه موصل، (۱۰) نظامیه ری، (۱۱) نظامیه طاهر و (۱۲) نظامیه جزیره ابن‌عمر.

علاوه بر مدارس نشامیه‌ها در دوره سلجوقیان، مدارس دیگری در شهرهای عراق، اصفهان، نیشابور و... بنا شد که نسبت به نظامیه‌ها از اهمیت کمتری برخوردار بودند. مدارس نظامیه سالیان متمادی به فعالیت علمی و آموزشی خود ادامه دادند و فقهای بزرگ شافعی همچون امام‌الحرمین جوینی، ابواسحاق شیرازی، ابوحامد غزالی و ابوالمحاسن رویانی به تدریس در آنها پرداختند و علمای بزرگی در این مدارس پرورش یافتند.

مدارس نظامیه با وجود تشکیلات اداری و نظام آموزشی پیشرفته، جایگاهی برای علوم عقلی مانند فلسفه و ریاضیات نبودند، بلکه تنها علوم دینی از قبیل فقه، کلام، تفسیر و... در آنها تدریس می‌شد و این مدارس نیز به شافعیان اختصاص داشت و شیعیان و دیگر مذاهب حق حضور در نظامیه‌ها را نداشتند.

نتیجه

مراکز علمی و نظام آموزشی در هر ساختار اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر سیاست مذهبی قرار گیرد که بر جامعه اعمال می‌شود. تساهل مذهبی زمینه رشد و گسترش دانشمندان مذاهب مختلف و علوم گوناگون از قبیل علوم دینی و علوم اوایل را فراهم می‌آورد، اما تعصب مذهبی از پیشرفت و رشد علمای مذاهب مختلف و علوم دیگر جلوگیری می‌کند.

در حکومت آل بویه نیز در آنجا که اولاً نیروهای مستعد را بدون در نظر گرفتن عقاید دینی و گرایش‌های مذهبی آنان جذب می‌نمودند و از آنان به عنوان دانشجو و استاد استفاده می‌کردند و ثانیاً تلاش‌های علمی را به رشته خاصی از علوم محدود نمی‌کردند و علاوه بر علوم دینی همچون فقه، تفسیر و حدیث، به علوم اوایل مانند فلسفه، منطق، نجوم و طب نیز توجه نشان می‌دادند، موجبات شکوفایی سایر زمینه‌های علمی هم فراهم شد، به طوری که تعداد بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها گسترش یافت. همچنین کتاب‌های فراوانی تألیف شد و دانشمندان برجسته‌ای در این دوره ظهور کردند.

در دوره سلجوقیان گرچه ساخت مدارس توسط خواجه نظام‌الملک موجب رونق جریان مدرسه‌سازی گردید و به تقلید از وی مدارس بسیاری توسط مردم، حاکمان و وزیران از جمله ابوالغنائم از وزرای سلاجقه و نورالدین زنگی و عزالدین زنگی از اتابکان سلجوقی ساخته شد، اما بسیاری از مدارس از جمله همه دوازده مدرسه‌ای که توسط نظام‌الملک بنا گردید، به شافعی مذهب اختصاص داشت و لذا فقط شکوفایی علمی در پیروان این مذهب و آن هم فقط در زمینه علوم دینی از قبیل فقه، تفسیر و... مشهود گردید و در زمینه علوم اوایل همچون فلسفه و نجوم و پزشکی، پیشرفت چندانی حاصل نگردید.

بنابراین نتایج تساهل مذهبی در دوره آل بویه و تعصب دینی در دوره سلجوقیان در پیشرفت علوم مختلف و تربیت دانشجویان و اساتید زبده و تأسیس مراکز علمی و گسترش فرهنگ علمی جامعه، در این مقطع از تاریخ کشورمان، کاملاً مشهود و قابل ملاحظه بود.

منابع و مأخذ

- آقابخشی، علی. (۱۳۶۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. چاپ اول. تهران: تندر.
- ابن اثیر. (۱۴۰۷). *الکامل فی التاریخ*. تصحیح محمدیوسف دقاقه. طبع اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد. (بی‌تا). *تاریخ طبرستان*. چاپ اول. تصحیح عباس اقبال به اهتمام محمد رضانی. تهران: چاپخانه مجلس.

- ابن بطوطه. (۱۳۷۷). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن جبیر. (۱۳۷۰). *سفرنامه ابن جبیر*. ترجمه پرویز اتابک. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۳۵۸). *المنتظم. طبعه الاولى*. حیدرآباد دکن: دائره المعارف عثمانیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۸۳). *العبر*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین. (بی تا). *وفیات الأعیان و ابناء ابناء الزمان*. تحقیق احسان عباسی. بیروت: دار صادر.
- ابن العربی. (۱۳۳۷). *مختصر تاریخ الدول*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عنبه، جمال الدین. (بی تا). *عمده الطالب فی انساب آل ابیطالب*. بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء. (۱۴۰۷). *البدایه و النهایه. طبعه الثانيه*. تحقیق احمد ابوملحم و دیگران. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مسکویه رازی، ابوعلی احمد. (۱۳۷۶). *تجارب الامم*. ترجمه علینقی منزوی. چاپ اول. تهران: توس.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). *الفهرست*. ترجمه محمدرضا تجدد. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
- اسنوی، عبدالرحیم. (۱۴۰۷). *طبقات الشافعیه. طبعه الاولى*. بیروت: دارالکتب العمیه.
- اصفهان، ابونعمیم احمد بن عبدالله. (بی تا). *ذکر اخبار اصفهان. قاهره*: دارالکتب اسلامیة.
- بیرونی، ابوریحان. (بی تا). *الاثار الباقیه عن القرون الخالیه*. بی جا.
- _____ (۱۳۱۶). *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم*. تصحیح جلال الدین همایی. چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

- تنوخی، ابوعلی محسن. (۱۳۹۲). *منشور المحاضره و اخبار المذاکره*. تحقیق عبود شالچی. بیروت: دار صادر.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (۱۴۱۳). *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حلمی، احمد کمال الدین. (۱۳۸۴). *دولت سلجوقیان*. ترجمه و اضافات ناصری طاهری. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حموی، شهاب الدین یاقوت. (۱۳۸۱). *معجم الادباء*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ اول. تهران: سروش.
- _____ (بی تا). *معجم البلدان*. بیروت: دارالفکر.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی. (بی تا). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- ذهبی، شمس الدین محمد. (۱۴۱۴). *تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. تحقیق عمر عبدالسلام. بیروت: دارالکتب العربی.
- رابرت سون، یان. (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه*. ترجمه حسین بهروان. چاپ دوم. مشهد: آستان مقدس رضوی.
- راوندی، محمد بن علی. (۱۳۳۳). *راحه الصدور، آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*. تصحیح محمد اقبال. تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.
- رشیدالدین، فضل الله. (۱۳۸۶). *جامع التواریخ (اسماعیلیان)*. چاپ اول. تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.
- زرکوب شیرازی، ابوعباس احمد بن شهاب الدین. (بی تا). *شیرازنامه*. با کوشش اسماعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- زیدان، جرجی. (۱۳۳۳). *تاریخ تمدن اسلام*. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: امیرکبیر.
- سبکی، تاج الدین ابونصر. (۱۳۸۵). *طبقات الشافعیه الکبری*. تحقیق عبدالفتاح محد حلو و طناحی. طبع اول. بی جا: مطبعه عیسی البابی حلبی و شرکاء.

سرمدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). *تاریخ پزشکی و درمان جهان*. چاپ دوم. تهران: سرمدی.

سلمی، ابن عبدالرحمن. (۱۳۷۲). *طبقات صوفیه*. تحقیق نورالدین شریبه. مصر: ناشر جماعة الازهر للنشر و تألیف مطابع دارالکتاب.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۹۹). *بغیه الوعاه فی طبقات اللغویین و النحاه*. تحقیق ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالفکر.

شبلی، احمد. (۱۳۶۱). *تاریخ آموزش در اسلام*. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شهرزوی، شمس الدین محمد. (۱۳۶۵). *نزهة الارواح و روضه الافراح*. ترجمه مقصود علی تبریزی. به کوشش محمدتقی دانش پژوه و محمد سرور مولایی. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

شیرازی، جنید. (۱۳۲۰). *هزار مزار*. ترجمه عیسی بن جنید. شیراز: کتابفروشی احمدی و جهان نما.

صریفینی، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۶۲). *تاریخ نیشابور، المنتخب من السياق*. (عبدالفاخر فارسی). اعداد محمد کاظم محمودی. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.

صفا، ذبیح الله. (۲-۱۳۵۱). *تاریخ ادبیات در ایران*. چاپ ششم. بی جا: ابن سینا. صفدی، صلاح الدین خلیل. (۱۴۰۵). *الوافی بالوفیات*. به اعتنای رمضان عبد تراب. بیروت: دار صادر.

عیسی بک، احمد. (۱۳۷۱). *تاریخ بیمارستان ها در اسلام*. ترجمه نورا... کسائی. ج ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۷۲). *تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی*. ترجمه نورا... کسائی. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

فدائی عراقی، غلامرضا. (۱۳۸۳). *حیات علمی در عهد آل بویه*. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.

فرهیمینی فراهانی، محسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*. چاپ اول. تهران: اسرار دانش.

- فقیهی، علی اصغر. (۱۳۶۵). *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*. تهران: صبا.
- قزوینی، زکریا بن محمد. (۱۳۷۳). *آثار البلاء و اخبار العباد*. ترجمه جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح و تکمیل میرزا هاشم محدث. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- قفطی، جمال الدین. (۱۳۷۱). *تاریخ الحکماء قفطی*. ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری. به کوشش بهین دارایی. تهران: دانشگاه تهران.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱). *تاریخ قم*. ترجمه حسن بن علی قمی. تصحیح سیدجلال الدین طهرانی: انتشارت توس.
- کسائی، نورالله. (۱۳۷۵). *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۶۹). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*. تهران: دانشگاه تهران.
- کیانی میرا، محسن. (۱۳۶۹). *تاریخ خانقاه در ایران*. چاپ اول. تهران: کتابفروشی طهوری.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد. (بی تا). *محاسن اصفهان*. تصحیح سیدجلال الدین حسینی. مطبعه مجلس. بی جا.
- متز، آدام. (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در دوره قرن چهارم*. ترجمه علیرضا ذکاوتی. قراگوزلو. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- محدثی، احمد. (۱۳۷۷). *طب در دوره آل بویه*. چاپ اول. تبریز: احرار.
- مصفی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات نجوم*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- معین، محمد. (۱۳۴۵). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابوعبدا... محمد بن احمد. (۱۳۸۵). *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: کومش.
- میر، محمدتقی. (بی تا). *پزشکان نامی پارس*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- میهنی، محمد بن منور. (۱۳۷۸). *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابی الخیر*. به اهتمام ذبیح... صفا. چاپ اول. تهران: فردوسی-عطار.

نخجوانی، هندوشاه. (۱۳۴۴). *تجارب السلف*. تصحیح عباس اقبال. ج ۲. تهران: کتابخانه طهوری.

نظام‌الملک طوسی، ابوحسن. (۱۳۴۷). *سیرالملوک (سیاستنامه)*. به اهتمام هیوبرت دارک. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.